

نقش چین، روسیه و هند در گذار به نظم مالی چندقطبی در غرب آسیا: تحلیلی بر پایه دیدگاه تحول نظم بین‌المللی گیلپین

نرگس اکسا^۱
رحمان حریری^۲

Vol 3, No 1(8) Spring 2025

Received Date: 15/06/2025

Accept Date: 28/09/2025

Article Type: Original Research

PP: 49-68



سال ۳، شماره ۴ (۱۱)، زمستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۴۹ الی ۶۸



DOI: 10.22034/wasj.2026.586658.1142

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

طی دهه‌های گذشته هژمونی دلار به‌عنوان ستون اصلی نظام مالی بین‌المللی شناخته‌شده است؛ اما تحولات ژئوپلیتیکی، تحریم‌های گسترده مالی و ظهور قدرت‌های اقتصادی نوظهور موجب تزلزل تدریجی این جایگاه شده است. غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و نقش محوری در تأمین انرژی جهان، یکی از عرصه‌های اصلی بروز این تغییرات به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل با تکیه بر تحلیل گیلپین از تغییر نظم بین‌المللی و توزیع قدرت، به بررسی روند گذار از سلطه دلار به سمت شکل‌گیری نظام‌های پرداخت موازی در غرب آسیا می‌پردازد. سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که بازیگران شرقی چگونه با توسعه ابزارهای مالی جایگزین هژمونی دلار را به چالش می‌کشند. در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که توسعه شبکه‌های پرداخت جایگزین و نهادهای مالی منطقه‌ای موجب کاهش سلطه دلار و تقویت چندقطبی گرایی مالی می‌شود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی انجام‌شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه نهادهای و سازوکارهای مالی موازی، از طریق افزایش استقلال مالی کشورهای منطقه و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر فشارهای ناشی از هژمونی دلاری، روند گذار تدریجی به نظام مالی چندقطبی را تقویت کرده است.

کلیدواژه‌ها:

هژمونی دلار، چندقطبی گرایی مالی، مؤسسات مالی موازی، غرب آسیا، بازیگران شرقی

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل: nargsaksa@yahoo.com

۲ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

تحولات نظام مالی جهانی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل تبدیل شده است. نظام مالی شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم که بر پایه نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و برتری دلار آمریکا استوار بود، اگرچه همچنان جایگاه مسلط خود را در ذخایر ارزی و مبادلات بین‌المللی حفظ کرده است، اما رشد اقتصادهای نوظهور، تشدید رقابت‌های ژئواکونومیکی، گسترش تحریم‌های مالی و توسعه فناوری‌های نوین پرداخت، زمینه شکل‌گیری سازوکارهای مالی جدیدی را فراهم کرده است. ازاین‌رو، بسیاری از پژوهشگران از حرکت تدریجی نظام مالی جهانی به‌سوی ساختاری متنوع‌تر و چند ارزی سخن می‌گویند.

هم‌زمان با گسترش سازوکارهای مالی جایگزین استفاده از ارزهای ملی در مبادلات بین‌المللی و افزایش همکاری‌های اقتصادی میان قدرت‌های نوظهور، غرب آسیا به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز این تحولات تبدیل شده است زیرا این منطقه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک، نقش محوری در بازار انرژی و قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در رقابت‌های ژئواکونومیکی دارد. همکاری‌های مالی و زیرساختی چین، روسیه و هند با کشورهای منطقه می‌تواند بر الگوهای تجارت، سرمایه‌گذاری و تعاملات مالی غرب آسیا تأثیرگذار باشد.

باوجود گسترش مطالعات درباره آینده نظام مالی جهانی، بیشتر پژوهش‌ها بر یک کشور، یا یک ابزار مالی متمرکز بوده‌اند؛ و کمتر پژوهشی راهبردهای چین، روسیه و هند را به‌صورت تطبیقی و در چارچوب دیدگاه گیلپین درباره تحول نظم بین‌المللی و تغییر در توزیع قدرت بررسی کرده است ازاین‌رو، مسئله اصلی این پژوهش این است که اقدامات چین، روسیه و هند در توسعه نهادهای مالی موازی چه نقشی در روند چندقطبی شدن نظام مالی بین‌المللی و تحول روابط مالی کشورهای غرب آسیا به‌ویژه ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و سوریه داشته است؟ فرضیه پژوهش به راین اساس استوار است به نظر می‌رسد توسعه نهادهای موازی توسط چین، روسیه و هند، با گسترش استفاده از ارزهای ملی، توسعه سازوکارهای پرداخت جایگزین و افزایش همکاری‌های مالی با کشورهای مانند ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سوریه موجب افزایش استقلال نسبی مالی این کشورها و تقویت روند چندقطبی شدن نظام مالی بین‌الملل شده است هرچند این روند هنوز به جایگزینی کامل نظام مالی مبتنی بر دلار منجر نشده است

این پژوهش با بهره‌گیری از دیدگاه رابرت گیلپین درباره تحول نظم بین‌المللی و تغییر در توزیع قدرت، رابطه میان تغییر توزیع قدرت اقتصادی، توسعه سازوکارهای پرداخت غیر دلاری و پیامدهای آن برای غرب آسیا را تبیین می‌کند. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع و اسناد علمی گردآوری و با رویکرد تحلیل کیفی در چارچوب نظریه تحول نظم بین‌المللی و تغییر در توزیع قدرت گیلپین تفسیر شده‌اند.

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش رقابت‌های ژئواکونومیکی و توسعه سازوکارهای مالی غیر دلاری، پژوهش‌های متعددی درباره آینده نظام مالی جهانی و نقش قدرت‌های نوظهور انجام شده است. بااین‌حال، اغلب این مطالعات تنها بر یک کشور یا یک ابزار مالی متمرکز داشته‌اند. یکی از این پژوهش‌ها کتابی است

با عنوان Exorbitant privilege از Eichengreen در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که برتری دلار علاوه بر قدرت اقتصادی آمریکا، به عمق بازارهای مالی، اعتماد بین‌المللی و جایگاه نهادهای مالی این کشور وابسته است و حرکت به سوی نظامی چند ارزی را تدریجی می‌داند. در همین راستا کتابی دیگر با عنوان Gaining currency: The Rise of the Renminbi از Prasad در سال ۲۰۱۷ بین‌المللی شدن یوآن و پیمان‌های پولی، توسعه دوجانبه را از ابزارهای اصلی چین برای ارتقای جایگاه پول ملی خود معرفی می‌کند، اما معتقد است محدودیت‌های ساختاری اقتصاد چین مانع جایگزینی دلار است. رابرت گیلپین در کتاب «اقتصاد سیاسی روابط بین‌الملل» در سال ۱۹۸۷ استدلال می‌کند که نظم اقتصادی بین‌المللی بازتاب توزیع قدرت میان دولت‌هاست و هرگاه این توزیع تغییر کند، فشار برای اصلاح یا ایجاد نهادهای جدید نیز افزایش می‌یابد. از این رو، قدرت‌های نوظهور علاوه بر افزایش توان اقتصادی، برای بازتعریف قواعد و نظم بین‌المللی تلاش می‌کنند. همچنین در مقاله‌ای با عنوان سیاست دلار زدایی چین و تأثیر آن بر هژمونی دلار آمریکا از صالحی و همکاران در سال ۱۴۰۳ با بررسی سیاست دلار زدایی چین نشان می‌دهند که بین‌المللی سازی یوآن و توسعه سامانه پرداخت بین‌المللی بین‌بانکی اگرچه وابستگی به دلار را کاهش داده، اما هنوز هژمونی دلار پابرجاست. نقطه ضعف این پژوهش، تمرکز صرف بر چین و بی‌توجهی به نقش روسیه، هند و پیامدهای منطقه‌ای آن است. مقاله‌ای دیگر با عنوان چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی از میر ترابی و فلاح در سال ۱۴۰۱، نقش چین و بریکس را در تحول نهادهای اقتصاد جهانی بررسی کرده و نشان می‌دهند که نهادهایی مانند بانک توسعه جدید بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا ظرفیت قدرت‌های نوظهور را برای مشارکت در حکمرانی اقتصادی جهانی افزایش داده‌اند. باین‌حال، این پژوهش به نقش هم‌زمان چین، روسیه و هند در توسعه نظام‌های پرداخت موازی و پیامدهای آن برای غرب آسیا نمی‌پردازند.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تکیه بر نظریه تحول نظم بین‌المللی گیلپین، راهبردهای مالی چین، روسیه و هند را در قالب یک چارچوب نظری واحد تحلیل کرده و نشان می‌دهد که روند کنونی بیش از آنکه بیانگر افول ناگهانی هژمونی دلار باشد، حاکی از شکل‌گیری تدریجی نظام مالی چندقطبی و چندمرکزی و پیامدهای آن برای غرب آسیاست.

۱- چارچوب نظری

هژمونی^۱ در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک قدرت، علاوه بر برتری اقتصادی و سیاسی، توانایی شکل‌دهی به قواعد، نهادها و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌الملل را نیز در اختیار دارد؛ بنابراین، هژمونی صرفاً به معنای برخورداری از منابع مادی نیست، بلکه ظرفیت سازمان‌دهی نظم بین‌المللی را نیز دربرمی‌گیرد (Gilpin: ۱۹۸۷، ۷۷). در حوزه مالی، این برتری از طریق تسلط بر ارز ذخیره جهانی، بازارهای سرمایه، شبکه‌های پرداخت و نهادهای پولی اعمال می‌شود و امکان تبدیل قدرت اقتصادی به نفوذ سیاسی را فراهم می‌سازد (استرنج، ۱۳۸۹: ۴۶۴). پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده با استقرار نظام برتون وودز، تثبیت دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی و ایجاد نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، بنیان نظم مالی

پس از جنگ را شکل داد. درواقع وجود یک قدرت هژمون که بتواند نقدینگی بین‌المللی، ثبات مالی و تجارت آزاد را تضمین کند، شرط اساسی پایداری اقتصاد جهانی است (Kindleberger: ۱۹۷۳، ۳۱). استمرار برتری دلار تنها ناشی از قدرت اقتصادی آمریکا نیست، بلکه به عمق بازارهای مالی، اعتماد بین‌المللی و آثار شبکه‌ای از دلار وابسته است (Eichengreen: ۲۰۱۱، ۱۲). باوجوداین، هژمونی مالی پدیده‌ای ایستا نیست. رشد اقتصادهای نوظهور و تغییر در توزیع قدرت اقتصادی، زمینه شکل‌گیری چالش هژمونیک را فراهم می‌کنند، فرآیندی که طی آن قدرت‌های نوظهور می‌کوشند با ایجاد نهادها و سازوکارهای مالی جدید، وابستگی خود را به ساختارهای تحت سلطه قدرت هژمون کاهش دهند (Gilpin: ۱۹۸۱، ۱۹۵). کوهن نیز در کتاب «پس از هژمونی» استدلال می‌کند که حتی در شرایط افول نسبی قدرت هژمون، همکاری بین‌المللی می‌تواند از طریق نهادها و رژیم‌های بین‌المللی استمرار یابد (Keohane: ۱۹۸۴، ۶۶). ازاین‌رو، ظهور نهادهای مالی جدید را باید نشانه‌ای از تحول تدریجی نظم مالی جهانی دانست، نه فروپاشی ناگهانی آن.

در همین چارچوب، مفهوم چندقطبی شدن مالی به توزیع تدریجی نقش ارزها، مراکز مالی و نهادهای پولی میان چند بازیگر اشاره دارد. وضعیتی که در آن وابستگی انحصاری به یک ارز یا یک مرکز مالی کاهش می‌یابد. تحول جایگاه ارزهای بین‌المللی، علاوه بر عوامل اقتصادی، به متغیرهای سیاسی، ژئوپلیتیکی و اعتماد نهادی وابسته است (Helleiner: ۲۰۱۴، ۶۰). ازاین‌رو، توسعه نهادهای مانند بانک توسعه جدید بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا یا سامانه‌های پرداختی جایگزین چون سامانه پرداخت بین‌المللی بین‌بانکی^۲ در چین یا سامانه انتقال پیام‌های مالی^۳ در روسیه را می‌توان بخشی از تلاش قدرت‌های نوظهور برای افزایش استقلال مالی و کاهش وابستگی به نظم مالی تحت رهبری آمریکا دانست (Huotari & Hanemann: ۲۰۱۴، ۳۰۶).

۱-۱ تحول نظم بین‌المللی از دیدگاه رابرت گیلپین

رابرت گیلپین تغییر نظم بین‌المللی را نتیجه تغییر در توزیع قدرت میان دولت‌ها می‌داند. از دیدگاه وی، هرگاه میان توزیع واقعی قدرت اقتصادی و ساختار نهادهای بین‌المللی شکاف ایجاد شود، فشار برای اصلاح یا ایجاد نهادهای جدید افزایش می‌یابد (Gilpin: ۱۹۸۱، ۱۵). بنابراین، نظم بین‌المللی زمانی پایدار است که قواعد و نهادهای آن با توازن واقعی قدرت هماهنگ باشند. براساس این نظریه، قدرت‌های نوظهور تنها به افزایش توان اقتصادی اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای کسب جایگاهی متناسب با ظرفیت‌های جدید خود، در پی اصلاح قواعد یا ایجاد نهادهای جایگزین برمی‌آیند (Gilpin: ۱۹۸۷، ۷۹). این تغییر الزاماً با جنگ یا فروپاشی نظم موجود همراه نیست، بلکه می‌تواند از طریق تحول تدریجی نهادها، شبکه‌های پرداخت، پیمان‌های پولی و ترتیبات مالی جدید تحقق یابد. (Gilpin: ۱۹۸۷، ۲۷۶) تحلیل‌های جدید اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز این برداشت را تأیید می‌کنند. رشد اقتصادهای نوظهور زمینه حرکت تدریجی به‌سوی نظامی چند ارزی را فراهم کرده است (Eichengreen: ۲۰۱۱، ۱۶۵). بین‌المللی شدن یوآن و توسعه سامانه‌های پرداخت مستقل، بیش از آنکه باهدف جایگزینی فوری دلار انجام شود، در راستای افزایش استقلال مالی چین و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی است (Prasad: ۲۰۱۷، ۲۷۶). براین اساس، اقدامات چین، روسیه و هند در توسعه سامانه‌های

2 China Interbank payment system

3 System for transfer of financial messages

پرداخت مستقل، گسترش استفاده از ارزهای ملی و تقویت نهادهای مالی جدید را می‌توان بخشی از فرایند باز توزیع قدرت در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانست. باین‌حال، این روند همچنان با محدودیت‌هایی مانند عمق بازارهای مالی آمریکا، اعتماد جهانی به دلار، ناهماهنگی میان قدرت‌های نوظهور و هزینه‌های ناشی از تحریم‌های ثانویه آمریکا مواجه است (Krugman: ۲۰۲۲, ۳).

در چارچوب نظریه تحول نظم بین‌المللی گیلپین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه نهادهای مالی موازی و سازوکارهای پرداخت غیر دلاری، بیانگر آغاز فرایند انتقال تدریجی قدرت در نظام بین‌الملل است، اما هنوز شرایط لازم برای جایگزینی کامل نظم مالی مبتنی بر دلار فراهم نشده است. از این‌رو، تحولات کنونی را باید بیش از آنکه نشانه پایان هژمونی مالی آمریکا دانست، مرحله‌ای از گذار تدریجی به‌سوی نظام مالی چندقطبی تلقی کرد، گذاری که موفقیت آن به تداوم رشد اقتصادی قدرت‌های نوظهور، تقویت ظرفیت‌های نهادی و افزایش پذیرش بین‌المللی سازوکارهای مالی جدید وابسته است.

۲. تحولات ساختاری در نظام مالی جهانی

نظام مالی بین‌المللی از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون دستخوش تحولات گسترده‌ای بوده است. در چارچوب نظام برتون وودز^۴ (۱۹۴۴) دلار آمریکا به محور نظام پولی بین‌المللی تبدیل شد و نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وظیفه حفظ ثبات پولی، تأمین مالی و حمایت از بازسازی اقتصادی را بر عهده گرفتند (Helleiner: ۲۰۱۴, ۷۴). با فروپاشی نظام برتون وودز در اوایل دهه ۱۹۷۰ و پایان قابلیت تبدیل دلار به طلا، اقتصاد جهانی وارد مرحله‌ای جدید از آزادسازی مالی، گسترش جریان‌های سرمایه و یکپارچگی بازارهای مالی شد. با وجود این تحول، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همچنان از ارکان اصلی حکمرانی مالی جهانی باقی ماندند، اما نقش آن‌ها از مدیریت نظام نرخ‌های ثابت ارز به نظارت بر ثبات مالی، اعطای وام، مدیریت بحران‌های مالی و ارائه توصیه‌های سیاسی به دولت‌ها تغییر یافت (Helleiner: ۲۰۱۴, ۸۵). این تحولات سبب شد دلار آمریکا به مهم‌ترین ارز ذخیره‌ای و ابزار اصلی تسویه جهانی بدل گردد، اما در عین حال وابستگی نظام مالی بین‌المللی به سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده نیز افزایش یافت. بحران‌های مالی، از بحران بدهی‌های آمریکای لاتین تا بحران آسیای شرقی (۱۹۹۷) و بحران مالی جهانی (۲۰۰۸)، نشان داد که ساختار فعلی از لحاظ تمرکز قدرت و وابستگی نهادی بسیار آسیب‌پذیر است (Eichengreen: ۲۰۱۱, ۸۹). در دهه‌های اخیر، با ظهور اقتصادهای نوظهور شرقی مانند چین، روسیه و هند، نشانه‌های آشکاری از گذار به‌سوی چندقطبی‌گرایی مالی پدید آمده است. چین با راه‌اندازی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و گسترش استفاده از یوان در مبادلات دوجانبه، در جهت افزایش نقش بین‌المللی پول ملی خود و کاهش وابستگی به زیرساخت‌های مالی مبتنی بر دلار گام برداشته است. روسیه نیز پس از استفاده از تحریم‌های غرب، سامانه پیام‌رسان مالی خود را به‌عنوان جایگزینی برای سوئیفت توسعه داده است. در سطح نهادی، گروه بریکس با ایجاد بانک توسعه جدید و بحث درباره واحد پول مشترک، در تلاش است زیرساختی برای نظام پرداخت‌های

۴ نظام برتون وودز به مجموعه‌ای از قواعد و نهادهای پولی بین‌المللی بود که در کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ طراحی شد. این نظام بر تثبیت نرخ ارزها در برابر دلار آمریکا قابلیت تبدیل دلار به طلا و تأسیس نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی استوار بود و هدف آن ایجاد ثبات پولی و بازسازی اقتصاد جهانی پس از جنگ جهانی دوم و گسترش تجارت بین‌المللی بود با لغو تبدیل‌پذیری دلار به طلا در سال ۱۹۷۱، این نظام عملاً پایان یافت. ولی رژیم‌ها و ساختاری که این نظام برقرار ساخت هم چنان به قوت خود باقی‌اند. (حاجی یوسفی و طالبی آرانی، ۱۳۹۲: ۲۹۰)

غیر دلاری ایجاد کند. این روندها، همراه با رشد فناوری‌های مالی نوین و ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی، نشان می‌دهد که نظام مالی جهانی در حال بازتعریف روابط قدرت و وابستگی است روندی که می‌تواند به کاهش تدریجی انحصار دلار و تقویت رقابت ارزی در نظام پولی بین‌المللی بینجامد (Subacchi: ۲۰۲۰، ۱۷۵).

۲-۱. بحران‌های مالی و تضعیف تدریجی هژمونی دلار

نظام مالی بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم با محوریت دلار آمریکا شکل گرفت، در دهه‌های اخیر بارها در معرض بحران‌هایی قرار گرفته است که نه تنها پایداری آن را تهدید کرده، بلکه مشروعیت اقتصادی و سیاسی هژمونی دلار را زیر سؤال برده است. بحران مالی آسیا شرقی (۱۹۹۷)، بحران بدهی‌های آمریکا لاتین در دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه بحران مالی جهانی (۲۰۰۸)، همگی نشان دادند که وابستگی بیش‌ازحد نظام مالی جهانی به دلار و سیاست‌های پولی ایالات متحده، منبع اصلی آسیب‌پذیری اقتصاد بین‌المللی است. بحران سال ۲۰۰۸ نقطه عطفی بود که در آن کشورها دریافتند «مزیت دلار به‌عنوان ارز ذخیره جهانی، با هزینه‌ی صادرات بی‌ثباتی مالی به سایر کشورها همراه است» (Eichengreen: ۲۰۱۱، ۱۳۴). ساختار نهادهای مالی جهانی - شامل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با وجود ادعای بی‌طرفی، در عمل بازتاب‌دهنده‌ی منافع ایالات متحده و متحدان غربی است و در زمان بحران‌ها، اغلب سیاست‌های ریاضتی تحمیلی را به کشورهای در حال توسعه تحمیل کرده‌اند (Helleiner: ۲۰۱۴، ۹۰). این وضعیت باعث شکل‌گیری یک نارضایتی نهادی در میان کشورهای جنوب جهانی و شرق آسیا شده است. در واکنش به این بحران‌ها، بسیاری از قدرت‌های نوظهور به‌ویژه چین و روسیه، به دنبال ایجاد نهادهای مالی موازی و تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی خود برآمده‌اند. چین با افزایش سهم طلا و یوان در ذخایر ارزی و راه‌اندازی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی تلاش کرده است تا به سلطه مالی دلار پاسخ دهد. روسیه نیز پس از تحریم‌های ۲۰۱۴، گسترش استفاده از روبل و یوان در تجارت دوجانبه را در پیش گرفته است. بحران‌های اخیر مالی روند تلاش کشورها برای تنوع‌بخشی به ابزارهای پرداخت بین‌المللی و کاهش وابستگی به دلار را تقویت کرده است. با وجود این، دلار همچنان ارز مسلط نظام مالی جهانی باقی‌مانده و روندهای موجود بیشتر بیانگر افزایش تدریجی استفاده از سازوکارهای مکمل و ارزشهای جایگزین است، نه جایگزینی کامل دلار (Eichengreen: ۲۰۱۱، ۱۶۵). در این چارچوب، بحران‌ها نه فقط تهدیدی برای ثبات، بلکه موتور محرکی برای بازتعریف نظم پولی جهانی و تضعیف تدریجی هژمونی دلار بوده‌اند.

۲-۲. بازتعریف نهادهای مالی بین‌المللی

نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از دهه‌ی ۱۹۴۰ به‌عنوان ستون‌های اصلی نظام مالی جهانی تحت رهبری ایالات متحده تأسیس شدند. این نهادها در چارچوب نظام برتون وودز، باهدف تثبیت نرخ‌های ارز، تسهیل تجارت و کمک به بازسازی اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند (Helleiner: ۲۰۱۴، ۴۴). با گذشت زمان، نقش آن‌ها از تأمین مالی بازسازی به نظارت بر سیاست‌های اقتصادی کشورها و مدیریت بحران‌های مالی گسترش یافت. با این حال، تمرکز قدرت رأی‌دهی و تصمیم‌گیری در دست ایالات متحده و متحدانش، سبب شده است که این نهادها نه تنها ابزار همکاری بین‌المللی، بلکه سازوکارهایی برای بازتولید هژمونی دلار تلقی شوند. درواقع سهم ۵/۱۶ درصدی

امریکا در صندوق بین‌المللی پول به آن اجازه می‌دهد که از حق وتو در تصمیمات کلیدی برخوردار باشد، امری که بسیاری از کشورهای جنوب جهانی را از مشارکت مؤثر در نظام مالی بین‌المللی بازمی‌دارد (Eichen: ۲۰۱۱، ۱۵۲). با آغاز قرن بیست و یکم، به‌ویژه پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، روندی از بازتعریف و چندقطبی سازی نهادهای مالی بین‌المللی آغاز شده است. قدرت‌های نوظهور شرقی، به‌ویژه چین، روسیه، هند و برزیل، نهادهای مالی جایگزینی مانند بانک توسعه جدید بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی را پایه‌گذاری کرده‌اند تا توازن در مقابل ساختار سلطه غربی ایجاد کنند. این نهادها از یک سو در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در جنوب جهانی نقش فعالی دارند و از سوی دیگر، با کاهش وابستگی به دلار، شکل‌گیری یک نظام مالی چندمرکزی را تسریع می‌کنند. این روند درواقع نشانه‌ای از گذار نهادهای هماهنگ‌کننده غربی به نهادهای رقابتی جهانی می‌داند که می‌تواند به تضعیف تدریجی هژمونی دلار بینجامد (Cohen: ۲۰۱۵، ۱۴۶)؛ بنابراین بازتعریف نهادهای مالی بین‌المللی نه تنها اصلاح ساختاری است، بلکه بخشی از مبارزه ژئوپلیتیکی بر سر نظم پولی جهانی آینده محسوب می‌شود.

۲-۳. تحول فناوری‌های مالی و نظام‌های پرداخت نوین

تحولات فناوری در دهه‌ی اخیر موجب بازتعریف ساختار نظام پولی و مالی بین‌المللی شده است. ظهور فناوری‌های مالی نوین^۵، بلاک چین و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی، چالش بی‌سابقه‌ای برای هژمونی دلار و زیرساخت‌های سنتی مانند سوئیفت ایجاد کرده است. این فناوری‌ها امکان انجام پرداخت‌های فرامرزی را با سرعت، شفافیت و هزینه‌ی کمتر فراهم می‌کنند و از وابستگی به شبکه‌های دلاری می‌کاهند. توسعه‌ی سیستم‌های پرداخت دیجیتال، به‌ویژه در شرق آسیا، در حال تغییر معادله‌ی قدرت پولی جهانی است. زیرابه کشورها اجازه می‌دهد تا تراکش‌های بین‌المللی خود را خارج از کانال‌های تحت نظارت آمریکا انجام دهند (Subacchi: ۲۰۲۰، ۱۱۳). ارزهای دیجیتال می‌توانند به‌صورت تدریجی پیمان پولی غرب محور را تضعیف کنند، چراکه به کشورها این امکان را می‌دهند که نظام‌های پرداخت مستقل از دلار ایجاد کنند (Prasad: ۲۰۲۱، ۷۵). در میان چین پیشگام انقلاب پولی دیجیتال که از سال ۲۰۱۹ به‌صورت آزمایشی آغاز شد، درواقع تلاشی برای بین‌المللی سازی یوآن و کاهش وابستگی به شبکه‌های دلاری است. دولت چین این ابزار را نه فقط برای کارایی اقتصادی، بلکه به‌عنوان ابزار ژئوپلیتیکی در رقابت مالی جهانی توسعه داده است (murray: ۲۰۲۰، ۲). روسیه با توسعه روبل دیجیتال به‌عنوان یکی از نمونه‌های ارز دیجیتال بانک مرکزی و برخی ابتکارات مطرح‌شده در میان اعضای بریکس درباره تقویت زیرساخت‌های پرداخت مستقل و بررسی سازوکارهای مالی جدید، نشان‌دهنده روند گسترده‌تری در تحول نظام پولی بین‌المللی است. هم‌زمان، رشد فناوری‌های مبنی بر دفتر کل توزیع‌شده، پلتفرم‌های مالی غیرمتمرکز^۶ بنیان‌های سنتی واسطه‌گری مالی و معماری پرداخت‌های فرامرزی را با چالش مواجه کرده است. این تحولات می‌توانند به کاهش انحصار برخی بازیگران سنتی در زیرساخت‌های مالی جهانی و افزایش نقش بازیگران جدید در مدیریت جریان‌های پولی بین‌المللی منجر شوند (BIS: ۲۰۲۳، ۹۶).

5 Fin tech

6 Defi

در نتیجه، گسترش فناوری‌های مالی و ارزهای دیجیتال نه فقط روندی فناورانه، بلکه تحولی ژئوپلیتیکی و نظام‌مند در معماری قدرت مالی جهانی است. کشورهایی که در این حوزه پیشرو هستند، به‌ویژه چین و هند، می‌توانند نقش خود را در تعیین قواعد پرداخت‌های بین‌المللی تقویت کنند. این تحول می‌تواند در بلندمدت به شکل‌گیری نظام پرداخت‌های موازی و چندمرکزی منجر شود که در آن دلار دیگر تنها بازیگر مسلط نخواهد بود.

۴-۲. افزایش همکاری‌های مالی منطقه‌ای و سازوکارهای موازی

در پی بحران‌های مالی جهانی و تشدید نابرابری‌های ناشی از سلطه دلار، بسیاری از کشورها به‌ویژه آسیا و اوراسیا، به سمت ایجاد چارچوب‌های همکاری مالی منطقه‌ای حرکت کرده‌اند. این روند نه تنها پاسخی به ناکارآمدی نهادهای مالی غرب محور است، بلکه تلاشی برای ساخت نظم مالی چندقطبی با محوریت بازیگران شرقی محسوب می‌شود. نهادهای مالی منطقه‌ای جدید مانند صندوق ذخیره‌سازی چانگ مای^۷ در شرق آسیا، در واکنش مستقیم به بحران مالی آسیای ۱۹۹۷ شکل گرفتند تا به کشورها امکان بدهند بدون وابستگی به صندوق بین‌المللی پول، از منابع مالی منطقه‌ای استفاده کنند (Armijo&katada:۲۰۱۵، ۲۷۶). در دهه‌های اخیر، با گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، همگرایی مالی جنوب-جنوب اهمیت بیشتری یافته است. چین و روسیه، هند و ایران با امضای پیمان‌های دوجانبه پولی و استفاده از ارزهای محلی در مبادلات، به دنبال کاهش وابستگی به دلار و سیستم‌های پرداخت غربی مانند سوئیفت هستند. به‌ویژه در غرب آسیا، توافق‌های مالی میان ایران، چین و روسیه برای استفاده از سامانه‌های پرداخت غیر دلاری و تهاتر کالا، نمونه‌ای از شکل‌گیری معماری مالی موازی در سطح منطقه‌ای است. این سازوکارها نه تنها کارکرد اقتصادی، بلکه پیامد ژئوپلیتیکی دارند، زیرا به قدرت‌های شرقی اجازه می‌دهند در برابر سلطه ساختاری غرب در حوزه پول و پرداخت مقاومت کنند (Chin:۲۰۱۴، ۳۷۰). در نهایت افزایش همکاری‌های مالی منطقه‌ای را می‌توان بخشی از روند کلی چندمرکزی شدن نظام مالی بین‌المللی دانست. این همکاری‌ها با ایجاد صندوق‌های ارزی منطقه‌ای، بانک‌های توسعه و توافق‌های ارزی دوجانبه، به توزیع متوازن‌تر قدرت مالی کمک می‌کنند. این روند در واقع نشانه‌ی تغییر تدریجی زیرساخت اقتدار پولی جهانی است (BIS:۲۰۲۳، ۷۸). تغییری که از تمرکز بر نیویورک و لندن به سمت شبکه‌ای از مراکز مالی منطقه‌ای در پکن، هند، مسکو و دبی در حال انتقال است.

۳. نقش بازیگران شرقی در غرب آسیا

در این پژوهش نقش چین، روسیه و هند در غرب آسیا از طریق بررسی تعاملات مالی و پولی آن‌ها با کشورهایمانند ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و سوریه تحلیل می‌شود زیرا این کشورها مهم‌ترین عرصه‌های بروز راهبردهای مالی بازیگران شرقی در منطقه و نمونه‌های عینی تحول تدریجی سازوکارهای مالی غیر دلاری محسوب می‌شوند. چین با ابتکار کمربند و راه^۸ و گسترش تسویه‌های مبتنی بر یوان و توسعه سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی، در پی ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های مالی و کاهش

7 Chiang mai initiative multilateralization-CMIM

8 Belt and road initiative-BRI

وابستگی به دلار است. روسیه نیز با توسعه سامانه انتقال پیام‌های مالی و گسترش استفاده از روبل و یوان در مبادلات دوجانبه، تلاش دارد محور مالی اوراسیایی مقاوم در برابر تحریم‌های غرب ایجاد کند. هند نیز با مشارکت در بانک توسعه جدید بریکس، حمایت از استفاده از روپیه در تجارت خارجی و توسعه همکاری‌های مالی منطقه‌ای، رویکردی چندجانبه را دنبال می‌کند. در سطح بریکس نیز اقداماتی مانند تأسیس بانک توسعه جدید، ایجاد ترتیبات ذخیره احتیاطی^۹، گسترش استفاده از ارزهای ملی در تجارت میان اعضا و بررسی ایجاد زیرساخت‌های پرداخت مستقل و کاهش وابستگی به دلار، از مهم‌ترین گام‌های عملی در مسیر چندقطبی شدن مالی محسوب می‌شود (IMF, ۲۰۲۴)؛ بنابراین برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش صرف بررسی اقدامات چین، روسیه و هند کافی نیست بلکه باید آثار این اقدامات بر تحول نظام مالی غرب آسیا نیز تبیین شود. از این رو تحلیل حاضر به این فرض استوار است که این سه کشور متناسب با اهداف و ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی خود توسعه استفاده از ارزهای ملی، ایجاد یا تقویت زیرساخت‌های پرداخت و تعمیق روابط مالی با کشورهای غرب آسیا در شکل‌گیری تدریجی سازوکارهای مالی جایگزین نقش آفرینی کرده‌اند. در ادامه عملکرد هر یک از این بازیگران به صورت جداگانه بررسی می‌شود تا میزان تأثیر اقدامات آن‌ها بر روند چندقطبی شدن نظام مالی غرب آسیا ارزیابی شود.

۱-۳. چین

در دو دهه‌ی اخیر چین مهم‌ترین بازیگر شرقی در فرایند بازآرایی نظم مالی غرب آسیا محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ژئواکونومیکی پکن، تأمین امنیت انرژی است. چین طی دو دهه گذشته به بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان تبدیل شده و بخش قابل توجهی از نفت مورد نیاز خود را از کشورهای غرب آسیا تأمین می‌کند. ابتکار کمربند و راه که از سال ۲۰۱۳ آغاز شد، ستون راهبردی سیاست خارجی پکن در این منطقه محسوب می‌شود. چین از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی، حمل و نقل و فناوری دیجیتال، در پی ایجاد شبکه‌ای از وابستگی اقتصادی است که به آن امکان می‌دهد نفوذ مالی خود را تقویت کند و وابستگی کشورهای منطقه به دلار و نهادهای غربی را کاهش دهد (Fulton: ۲۰۱۹, ۱۸). مهم‌ترین نمونه این روند توافق‌های تسویه با یوان چین و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است که در سال ۲۰۲۳ شرکت ملی نفت چین^{۱۰} نخستین معامله واردات گاز طبیعی مایع^{۱۱} را از امارات متحده عربی از طریق بورس نفت و گاز شانگهای و با استفاده از یوان انجام داد. این اقدام نشان داد که چین در کنار توسعه روابط انرژی به دنبال افزایش نقش پول ملی خود در تجارت بین‌المللی نیز هست. اگرچه سهم این معادلات در مقایسه با تجارت دلاری هنوز محدود است اما از نظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل بیانگر تلاش تدریجی برای کاهش وابستگی کامل به دلار در مبادلات انرژی است (IMF: ۲۰۲۴). همچنین در سال ۲۰۲۳ بانک مرکزی چین و بانک مرکزی عربستان توافق مبادله ارزی^{۱۲} به ارزش ۵۰ میلیارد یوان (حدود ۷ میلیارد دلار) امضا کردند این توافق امکان استفاده از یوان در بخشی از مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری را فراهم ساخت و وابستگی به دلار را کاهش

9 Contingent Reserve Arrangement

10 CNOOC

11 LNG

12 Currency Swap

داد (IMF: ۲۰۲۵). قطر در سال ۲۰۱۵ با راه‌اندازی نخستین مرکز تسویه یوآن خاورمیانه گام مهمی در توسعه همکاری‌های مالی با چین برداشت. این مرکز باهدف تسهیل تسویه مبادلات تجاری و مالی به یوآن، کاهش هزینه‌های مبادلات ارزی و تقویت پیوندهای بانکی میان چین و کشورهای منطقه ایجاد شد. اگرچه این اقدام به معنای کنار گذاشتن دلار در مبادلات خارجی قطر نبود اما ظرفیت استفاده از یوآن در تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه را افزایش داد و نشان داد که همکاری‌های مالی میان چین و کشورهای غرب آسیا به تدریج در حال تنوع‌بخشی به ابزارهای پرداخت و تسویه بین‌المللی است (Shoeb: ۲۰۱۵, ۲). این اقدامات نه تنها ابزاری برای دور زدن تحریم‌ها، بلکه راهبردی برای تقویت بین‌المللی سازی یوآن به عنوان ارز ذخیره‌ای جایگزین دلار محسوب می‌شود. از منظر ژئوپلیتیکی، حضور اقتصادی چین در غرب آسیا با دیپلماسی مالی هوشمندانه همراه است. برخلاف ایالات متحده که عمدتاً از ابزارهای نظامی استفاده می‌کند، چین از سرمایه‌گذاری و وام‌های توسعه‌ای برای نفوذ در ساختارهای اقتصادی کشورها بهره می‌برد (Rolland: ۲۰۱۷, ۹۱). پکن از طریق سیاست وابستگی متقابل اقتصادی، در پی بازسازی نظم منطقه‌ای بر مبنای منافع مالی مشترک است. در این راستا، سهم یوآن از پرداخت‌های بین‌المللی جهان از کمتر از ۳ درصد در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است (Usc: ۲۰۲۴, ۴۷۹). در همین دوره، استفاده از یوآن در تسویه بخشی از تجارت انرژی و مبادلات دوجانبه چین با کشورهای غرب آسیا نیز رشد قابل توجهی داشته است. هژمونی مالی بدون مداخله نظامی به شمار می‌آید. بررسی تجربه چین نشان می‌دهد که این کشور از طریق گسترش استفاده از یوآن، توسعه زیرساخت‌های پرداخت و تعمیق همکاری‌های مالی با ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر تلاش کرده است ظرفیت‌های مالی خود را در غرب آسیا تقویت کند. این یافته بیانگر آن است که راهبرد چین بیش از آنکه بر جایگزینی فوری نظم مالی موجود استوار باشد بر ایجاد سازوکارهای مالی مکمل و افزایش نقش یوآن در مبادلات منطقه‌ای متمرکز است.

۲-۳. روسیه

روسیه پس از ۲۰۱۰ با احیای قدرت اقتصادی و نظامی خود، نقش فزاینده‌ای در غرب آسیا ایفا کرده است؛ و همچنین به یکی از مهم‌ترین بازیگران مخالف تمرکز قدرت مالی در نظام دلاری تبدیل شده است. مهم‌ترین محرک این روند، تحریم‌های گسترده مالی و بانکی غرب بوده است. پس از بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ و به‌ویژه پس از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه با محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای در دسترسی به بازارهای مالی جهانی مواجه شد. این شرایط مسکو را به سمت توسعه ابزارهای مالی مستقل و کاهش وابستگی به دلار سوق داد (Ostrowskim: ۲۰۲۲, ۳). جنگ سوریه و تحریم‌های غرب، مسکو را به سمت محور شرقی همکاری مالی و انرژی سوق داد. روسیه با کشورهای ایران، ترکیه و عربستان روابط مالی نوینی ایجاد کرده و به دنبال گسترش استفاده از روبل و یوآن در مبادلات منطقه‌ای است (Trenin: ۲۰۱۸, ۱۳۴). همچنین مسکو از طریق توافق‌نامه‌های انرژی و سرمایه‌گذاری مشترک با ایران و امارات، درصدد توسعه بلوک مالی غیر دلاری است. در واکنش به تحریم‌های آمریکای، روسیه سامانه پرداخت مالی خود را توسعه داد و تلاش کرده آن را با سیستم پرداخت چینی ادغام کند تا یک شبکه مالی مقاوم در برابر محدودیت‌های غربی ایجاد کند. این همکاری مالی باعث شده کشورهایی چون ایران و ترکیه بتوانند در چارچوب پیمان‌های دوجانبه، تراکنش‌های خود را

بدون نیاز به دلار انجام دهند. افزون بر آن، بانک مرکزی روسیه در حال تقویت استفاده از روبل دیجیتال است که می‌تواند در آینده بخشی از پرداخت‌های انرژی منطقه را پوشش دهد. از منظر ژئواستراتژیک، روسیه با تمرکز بر دیپلماسی انرژی و مالی در تلاش است نفوذ خود را از دریای خزر تا مدیترانه گسترش دهد. کرملین از ابزارهای مالی به‌عنوان مکمل سیاست قدرت سخت استفاده می‌کند تا در برابر سلطه مالی غرب، یک محور اوراسیایی ایجاد کند (becker&henderson:۲۰۲۲،۹۸). برای نمونه، سهم روبل و ارزهای ملی در تجارت روسیه با کشورهای دوست از کمتر از ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۶۵ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۳ بانک‌های مرکزی ایران و روسیه اتصال سامانه پیام‌رسان مالی روسیه و سامانه پیام‌رسان الکترونیکی مالی ایران را عملیاتی کردند که امکان تبادل پیام‌های بانکی بدون استفاده از سوئیفت را برای بانک‌های دو کشور فراهم کرد (IMF:۲۰۲۴). در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ حجم تجارت روسیه و امارات به‌شدت افزایش یافت و بخشی از این مبادلات با درهم و روبل انجام شد. اگرچه دلار همچنان ارز غالب تجارت دو کشور است اما استفاده از ارزهای محلی نشان‌دهنده حرکت تدریجی به سمت تنوع‌بخشی به ابزارهای پرداخت قابل ارزیابی است نه حذف کامل دلار (IMF:۲۰۲۴). درواقع روسیه در واکنش به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی، توسعه همکاری‌های بانکی، استفاده از ارزهای ملی و ایجاد مسیرهای جایگزین پرداخت را در روابط خود با برخی کشورهای غرب آسیا دنبال کرده است. این اقدامات اگرچه هنوز جایگاه دلار را به‌طور اساسی تغییر نداده‌اند اما نشان می‌دهند که بازیگران شرقی در حال ایجاد ظرفیت‌های جدیدی برای کاهش وابستگی به زیرساخت‌های مالی تحت سلطه غرب هستند و از این طریق به تحول تدریجی نظم مالی منطقه کمک می‌کنند.

۳-۳. هند

هند نیز در سال‌های اخیر به یکی از بازیگران تأثیرگذار در معادلات ژئواکونومیک غرب آسیا تبدیل شده است. هند در دهه‌ی گذشته به‌عنوان یکی از قدرت‌های مالی نوظهور، سیاستی متوازن در قبال غرب آسیا اتخاذ کرده است. وابستگی شدید هند به واردات انرژی از این منطقه، دهلی‌نو را به سمت دیپلماسی چندجانبه سوق داده است. در سطح نهادی، هند با مشارکت در بانک توسعه بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی نقش فعالی در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در خاورمیانه دارد (Chin:۲۰۱۴،۳۶۹). هند طی سال‌های اخیر با توسعه سازوکارهای تسویه مبتنی بر روپیه، امضای توافق‌نامه‌های پولی با برخی شرکای تجاری و ایجاد حساب‌های ویژه ووستر^{۱۳}، تلاش کرده است سهم روپیه را در تجارت خارجی افزایش دهد. هند در سال‌های اخیر بخشی از تجارت خود را با ایران در چارچوب سازوکارهای مبتنی بر روپیه دنبال کرده است هرچند این سازوکارها به دلیل تحریم‌های امریکا استمرار نیافت اما تجربه آن نشان داد دهلی‌نو در شرایط خاص از ظرفیت استفاده از ارزهای محلی برای تداوم تجارت بهره گرفته است. (Reserve Bank of India:۲۰۲۴) هند و عربستان در سال‌های اخیر مذاکراتی را درباره استفاده از ارزهای ملی در بخشی از مبادلات تجاری و انرژی آغاز کرده‌اند هرچند این روند هنوز به اجرای گسترده نرسیده است اما نشان‌دهنده تمایل دو کشور به تنوع‌بخشی در شیوه‌های تسویه مالی است. این حال هند در اجرای سیاست کاهش وابستگی به دلار،

ملاحظات ژئوپلیتیکی و روابط اقتصادی خود با ایالات متحده و نظام مالی بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داده و از این‌رو، سیاست کاهش وابستگی به دلار را به‌صورت تدریجی و محدود دنبال می‌کند (Batra: ۲۰۲۵, ۱). روابط مالی هند و امارات در سال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی شده است. امضای تفاهم‌نامه میان بانک مرکزی هند و بانک مرکزی امارات در ژوئیه ۲۰۲۳ برای ایجاد نظام تسویه با ارزهای ملی (روپیه و درهم) امکان انجام بخشی از مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری دوجانبه بدون استفاده از دلار را فراهم کرد. همچنین توافق دو کشور برای اتصال سامانه‌های پرداخت و پیام‌رسانی مالی، باهدف کاهش هزینه‌های مبادلات، تسریع پرداخت‌های فرامرزی و تقویت همکاری‌های مالی دوجانبه انجام شد (RBI: ۲۰۲۳, ۱). از منظر راهبردی، هند در غرب آسیا نقش میانجی مالی را ایفا می‌کند، نه در پی هژمونی است و نه پذیرای انحصار غربی. دهلی‌نو با تأکید بر توسعه پایدار و اتصال مالی، در پی تثبیت موقعیت خود به‌عنوان بازیگری مسئول در معماری مالی جدید است (alhasan: ۲۰۲۲, ۳۱۰). این سیاست موجب شده هند ضمن حفظ روابط با آمریکا، به همکاری مالی با کشورهای بریکس و غرب آسیا نیز ادامه دهد. الگویی از چندجانبه‌گرایی مالی هوشمند که به افزایش وزن هند در نظم مالی چندقطبی آینده کمک می‌کند. در سال‌های اخیر، هند همچنین تلاش کرده است استفاده از روپیه را در تجارت خارجی گسترش دهد. این سیاست به‌ویژه پس از تحولات ژئوپلیتیکی اخیر و افزایش بی‌ثباتی در نظام مالی جهانی مورد توجه قرار گرفته است. تا پایان سال ۲۰۲۴، بانک مرکزی هند مجوز افتتاح بیش از ۱۵۰ حساب ویژه و وسترو برای بانک‌های خارجی را صادر کرده که امکان تسویه بخشی از تجارت دوجانبه با روپیه را فراهم می‌کند (Batra: ۲۰۲۵, ۲). بررسی سیاست‌های هند نشان می‌دهد که این کشور با رویکردی تدریجی و عمل‌گرایانه همکاری‌های پولی و بانکی خود را با کشورهای غرب آسیا به‌ویژه امارات متحده عربی توسعه داده است. استفاده از ارزهای ملی در بخشی از مبادلات و تقویت زیرساخت‌های پرداخت مشترک بیانگر آن است که هند نیز در چارچوب منافع اقتصادی خود به روند تنوع‌بخشی ابزارهای مالی منطقه کمک کرده است؛ بنابراین چندقطبی شدن مالی در غرب آسیا حاصل مجموعه‌ای از راهبردهای متفاوت اما همسو میان قدرت‌های شرقی است.

۴. نمونه‌های عینی در غرب آسیا

در سال‌های اخیر، غرب آسیا به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های گسترش همکاری‌های مالی و اقتصادی میان قدرت‌های نوظهور تبدیل شده است. نمونه‌های زیر نشان می‌دهد همکاری‌های مالی میان قدرت‌های شرقی و کشورهای غرب آسیا در سال‌های اخیر گسترش یافته اما هنوز به جایگزینی کامل دلار منجر نشده است

۴-۱. توافق ایران و چین (۲۰۲۱)

توافق جامع همکاری ایران و چین که در مارس ۲۰۲۱ امضا شد، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های گسترش همکاری اقتصادی میان دو کشور در شرایط تحریم‌های مالی محسوب می‌شود. این توافق بر توسعه همکاری در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، زیرساخت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های بانکی تأکید دارد و امکان استفاده از ارزهای محلی در بخشی از مبادلات را نیز پیش‌بینی کرده است. با این حال، به دلیل استمرار تحریم‌های

آمریکا، محدودیت فعالیت بانک‌های بزرگ چینی و جایگاه مسلط دلار در تجارت جهانی، بخش مهمی از مبادلات دو کشور همچنان از طریق ارزهای واسطه یا سازوکارهای غیرمستقیم انجام می‌شود؛ بنابراین این توافق را باید بیش از آنکه نمونه‌ای از جایگزینی کامل دلار دانست، تلاشی برای تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تحریم‌ها تلقی کرد (parchami:۲۰۲۳، ۱۱).

۴-۲. حضور نظامی روسیه در سوریه

حضور نظامی روسیه در سوریه از سال ۲۰۱۵، صرفاً یک اقدام نظامی نبود. بلکه در سطح کلان‌تر، ابزاری برای بازسازی نفوذ اقتصادی و مالی روسیه در غرب آسیا محسوب می‌شود. با ورود نیروهای روسی به جنگ سوریه و تثبیت دولت بشار اسد، مسکو توانست دسترسی استراتژیک خود به بنادر لاذقیه و طرطوس را گسترش دهد و از این طریق مسیر جدیدی برای نفوذ مالی و انرژی خود در مدیترانه شرقی ایجاد کند (Trenin:۲۰۱۸، ۲۳۰). در سال‌های اخیر، روسیه در کنار توسعه سامانه انتقال پیام‌های مالی، استفاده از روبل و یوان را در بخشی از مبادلات خارجی خود افزایش داده و تلاش کرده است همکاری‌های بانکی با برخی شرکای منطقه‌ای را گسترش دهد. باوجوداین، محدود بودن پذیرش روبل در تجارت بین‌الملل، تداوم تحریم‌های غرب و ضعف ساختاری اقتصاد سوریه موجب شده است که این اقدامات هنوز جایگزین مؤثری برای نظام مالی مبتنی بر دلار نباشند. ازاین‌رو تجربه سوریه را می‌توان نمونه‌ای از تلاش برای افزایش استقلال مالی دانست، اما هنوز نتوانسته جایگزینی فراگیر برای ساختار مالی دلاری ارائه کند (Becker & Henderson:۲۰۲۲، ۴۴۰).

۴-۳. پروژه بندر چابهار

پروژه توسعه بندر چابهار با مشارکت هند، بیش از آنکه باهدف دلار زدایی شکل گرفته باشد بخشی از راهبرد ژئواکونومیکی دهلی‌نو برای دسترسی به افغانستان، آسیای مرکزی و کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب محسوب می‌شود. اگرچه توسعه این کریدور می‌تواند در آینده زمینه استفاده بیشتر از ارزهای محلی و تسهیل مبادلات منطقه‌ای را فراهم سازد، اما تاکنون شواهد کافی مبنی بر نقش مستقیم این پروژه در کاهش وابستگی به دلار وجود ندارد؛ بنابراین، اهمیت چابهار را باید بیشتر در تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و افزایش پیوندهای منطقه‌ای ارزیابی کرد تا تحقق عملی دلار زدایی (Pant:۲۰۲۳، ۱۱۶).

مجموع این نمونه‌ها نشان می‌دهد که همکاری‌های اقتصادی و مالی میان کشورهای غرب آسیا و قدرت‌های نوظهور در سال‌های اخیر افزایش یافته است؛ اما این همکاری‌ها هنوز به ایجاد یک نظام مالی مستقل از دلار منجر نشده‌اند. آنچه تاکنون مشاهده می‌شود، بیشتر تنوع‌بخشی به روابط مالی، توسعه نهادهای مکمل و افزایش استفاده محدود از ارزهای ملی است. روندی که در صورت تداوم می‌تواند در بلندمدت زمینه تقویت چندقطبی شدن نظام مالی بین‌المللی را فراهم کند، اما در شرایط کنونی نمی‌توان آن را جایگزین نظم مالی مبتنی بر دلار دانست.

۵. چالش‌ها و فرصت‌ها

یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها در گذار از هژمونی دلار، مقاومت کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی در برابر

سازوکارهای پرداخت غیر دلاری است. ایالات متحده و اتحادیه اروپا با استفاده از ابزارهای تحریم، محدودیت دسترسی به شبکه‌های بانکی جهانی و نفوذ در بازارهای سرمایه دلاری، تلاش می‌کنند هرگونه تلاش برای کاهش سلطه دلار را محدود کنند (Cohen: ۲۰۱۵, ۱۱۵). علاوه بر فشارهای خارجی، عدم هماهنگی میان کشورهای شرقی و نوظهور خود مانعی مهم برای شکل‌گیری نظام مالی چندقطبی است. چین، روسیه، هند و سایر قدرت‌های آسیایی اهداف اقتصادی، راهبرد سیاسی و اولویت‌های منطقه‌ای متفاوتی دارند که مانع ایجاد مکانیسم‌های مالی مشترک و مؤثر می‌شود (Chin: ۲۰۱۴, ۳۶۹). از سوی دیگر، محدودیت‌های زیرساختی و فناوری نیز نقش بازدارنده‌ای در کاهش وابستگی به دلار ایفا می‌کنند بسیاری از کشورهای غرب آسیا هنوز دسترسی محدود به فناوری‌های نوین پرداخت دیجیتال، بلاک چین و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی دارند (Subacchi: ۲۰۲۰, ۱۱۲). از این رو، توسعه سازوکارهای غیر دلاری هنوز به معنای جایگزینی کامل نظام مالی مبتنی بر دلار نیست و دلار همچنان جایگاه مسلط خود را در تجارت و نظام مالی جهانی حفظ کرده است؛ بنابراین کشورهای غرب آسیا ناگزیرند هم‌زمان با قدرت‌های نوظهور و ساختارهای مالی موجود تعامل کنند. علاوه بر این، منافع چین، روسیه و هند نیز کاملاً همسو نیست. چین بیشتر به دنبال گسترش نقش جهانی یوآن و تقویت نهادهای مالی مرتبط با ابتکار کمربند و راه است. روسیه کاهش آثار تحریم‌های مالی و افزایش استقلال راهبردی را در اولویت قرار داده و هند نیز بیش از هر چیز بر تأمین منافع تجاری و ژئواکونومیکی خود در مسیرهای ترانزیتی منطقه تمرکز دارد. این تفاوت در اولویت‌ها، از دیدگاه گیلپین، ویژگی طبیعی رقابت میان قدرت‌های در حال ظهور است و می‌تواند سرعت شکل‌گیری نهادهای مالی جایگزین را کاهش دهد. از سوی دیگر، موفقیت سازوکارهای غیر دلاری به میزان پذیرش آن‌ها از سوی سایر کشورها و توانایی آن‌ها در ایجاد اعتماد، ثبات و کارایی بستگی دارد. گیلپین تأکید می‌کند که قدرت اقتصادی به‌تنهایی برای تغییر نظم بین‌المللی کافی نیست و قدرت‌های نوظهور باید بتوانند نهادهایی ایجاد کنند که مشروعیت و کارآمدی لازم را در سطح بین‌المللی به دست آورند (Gilpin: ۱۹۸۱, ۱۴۵).

مطابق نظریه گیلپین، تغییر در موازنه قدرت می‌تواند فرصت‌های را برای بازیگران منطقه‌ای ایجاد کند تا از رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و مالی خود بهره ببرند. در این چارچوب، توسعه سازوکارهای پرداخت غیر دلاری، امکان متنوع سازی روابط مالی کشورهای غرب آسیا را افزایش داده است. استفاده از ارزهای ملی در بخشی از تجارت، همکاری با سامانه‌هایی مانند سامانه پرداخت بین‌المللی بین‌بانکی و توسعه همکاری‌های مالی با اعضای بریکس، می‌تواند وابستگی کامل کشورها به یک کانال مالی را کاهش داده و قدرت مانور آن‌ها را در تعاملات اقتصادی بین‌المللی افزایش دهد که در زیر به نمونه‌ای از این سازوکارها اشاره می‌کنیم

۱. تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها در روند گذار به نظام مالی چندقطبی، افزایش همکاری‌های مالی و اقتصادی میان کشورهای منطقه‌ای است. کشورهای آسیایی و خاورمیانه با ایجاد صندوق‌های ارزی منطقه‌ای و توافق‌های سوآپ، می‌توانند از تکیه‌گاه‌های مالی غربی مستقل شده و امنیت اقتصادی خود را افزایش دهند (fritz: ۲۰۱۹, ۹۹). در این چارچوب، اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و توافقات دوجانبه می‌توانند به پایگاه‌های ثبات مالی و توسعه

زیرساخت‌های اقتصادی تبدیل شوند.

۲. استفاده از ارزهای ملی در معادلات دوطرفه

استفاده از ارزهای ملی در مبادلات دوجانبه و منطقه‌ای گامی مهم برای کاهش وابستگی به دلار محسوب می‌شود. چین، روسیه و هند نمونه‌هایی از کشورهایی هستند که با توسعه تسویه‌های مبتنی بر یوان، روبل و روپیه، امکان تجارت غیر دلاری با کشورهای همسو را فراهم کرده‌اند (Prasad: ۲۰۲۱, ۷۴-۷۵). این روش می‌تواند هزینه‌های تراکنش را کاهش دهد، ثبات ارزی را افزایش دهد و در بلندمدت منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از ارزهای ذخیره منطقه‌ای شود.

۳. توسعه نهادهای مالی منطقه‌ای

توسعه نهادهای مالی منطقه‌ای مانند بانک سرمایه‌گذاری آسیایی، بانک توسعه بریکس و صندوق ذخیره چانگ مای، یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت جایگاه مالی کشورهای شرق و جنوب جهان است. این نهادها به کشورهای منطقه امکان می‌دهند منابع مالی لازم برای پروژه‌های زیرساختی، انرژی و توسعه اقتصادی را بدون وابستگی کامل به غرب تأمین کنند (Chin: ۲۰۱۴, ۳۶۲-۳۷۳).

۴. تسهیل چندقطبی سازی نظام مالی

هم‌زمان با افزایش همکاری‌های منطقه‌ای، استفاده از ارزهای ملی و توسعه نهادهای مالی مستقل، فرصت شکل‌گیری نظام مالی چندقطبی و انعطاف‌پذیر در سطح جهانی فراهم می‌شود. چنین سیستمی می‌تواند با کاهش سلطه دلار و ایجاد شبکه‌ای از ابزارهای مالی جایگزین، انعطاف و مقاومت اقتصادی کشورها را در برابر بحران‌ها و تحریم‌های بین‌المللی افزایش دهد (Cohen: ۲۰۱۵, ۱۲۰-۱۲۳).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تبیین نقش چین، روسیه و هند در تحول نظام مالی غرب آسیا و بررسی تأثیر اقدامات این کشورها بر شکل‌گیری سازوکارهای مالی جایگزین انجام شده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که هر سه کشور متناسب با ظرفیت‌ها و اهداف راهبردی خود از طریق توسعه همکاری‌های بانکی، گسترش استفاده از ارزهای ملی، ایجاد یا تقویت زیرساخت‌های پرداخت و تعمیق همکاری‌های مالی با کشورهای غرب آسیا در حال افزایش نقش خود در ساختار مالی منطقه هستند. چین، روسیه و هند هر یک متناسب با ظرفیت‌ها و اهداف راهبردی خود از طریق توسعه همکاری‌های پولی، بانکی و سازوکارهای پرداخت جایگزین، نقش مؤثری در تقویت روند چندقطبی شدن مالی در غرب آسیا ایفا کرده‌اند. بررسی نمونه‌های عینی نشان می‌دهد که این اقدامات هنوز به معنای جایگزینی کامل دلار نیست بلکه بیانگر شکل‌گیری تدریجی سازوکارهای مکمل در کنار نظام مالی موجود است. دلار همچنان ارز غالب در ذخایر ارزی بازارهای مالی و بخش عمده پرداخت‌های بین‌المللی محسوب می‌شود، اما توسعه همکاری‌های پولی، گسترش استفاده از ارزهای ملی و ایجاد شبکه‌های پرداخت جایگزین نشان‌دهنده افزایش ظرفیت کشورهای منطقه برای کاهش وابستگی به

یک ساختار مالی واحد است.

در چارچوب دیدگاه گیلپین این تحولات را می‌توان نشانه‌هایی از باز توزیع تدریجی قدرت در نظم مالی بین‌المللی دانست، فرایندی که هنوز به تغییر کامل نظم مالی جهانی منجر نشده اما زمینه را برای شکل‌گیری نظامی متکثرتر و رقابتی‌تر فراهم کرده است. بررسی تجربه کشورهای غرب آسیا نشان داد که این کشورها صرفاً دریافت‌کننده سیاست‌های مالی قدرت‌های شرقی نبوده‌اند بلکه هریک متناسب با نیازهای اقتصادی و ملاحظات راهبردی خود از ظرفیت همکاری با چین، روسیه و هند برای تنوع‌بخشی به روابط مالی خارجی بهره گرفته‌اند. ایران با توسعه همکاری‌های بانکی و مالی با چین و روسیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با گسترش همکاری‌های پولی و سرمایه‌گذاری با چین و هند، قطر با ایجاد زیرساخت‌های تسویه مبتنی بر یوآن در عمل به شکل‌گیری تدریجی سازوکارهای مالی مکمل در منطقه کمک کرده‌اند. این روند نشان می‌دهد که چندقطبی شدن مالی در غرب آسیا نتیجه تعامل متقابل قدرت‌های شرقی و دولت‌های منطقه است، نه صرفاً محصول ابتکار یک بازیگر خارجی.

منابع

۱. استرنج، سوزان. (۱۳۸۹)، آینده امپراتوری امریکا، در کتاب: دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۲. روی اسمیت، عماد الانیس، کریستو فاراندس (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سده بیست و یکم، ترجمه، امیرمحمد حاجی یوسفی و روح‌الله طالبی آرانی، تهران، انتشارات مخاطب
۳. ۳-صالحی، سید حمزه، موسوی شفافی، سید مسعود، گلمحمدی، ولی، حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۴۰۳)، «سیاست دلار زدایی چین و تأثیر آن بر هژمونی دلار آمریکا»، فصلنامه مطالعات کشورها، دانشگاه تهران، (۲)، صص ۱۸۹-۲۲۰
۴. ۴-میر ترابی، سعید، فلاح، مهرداد (۱۴۰۱)، «چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۲
5. Armigo, I. & Katada (2015). Theorizing the Financial Statecraft of Emerging Powers, New Political Economy, 20:1, 42-62, DOI:10.1080/13563467.2013.866082. <https://doi.org/10.1080/13563467.2013.866082>
6. Alhasan, H. T. (2022). The middle East in India's Quest for status. India Review, 21(3). <https://journals.sagepub.com/doi/10.1080/09749284.2022.21089529>
7. Becker, T. & Henderson, A. (2022). Russia's Strategic Economic statecraft: Reorientation, Resilience and geo-economic conflict. Oxford handbook of geo-economics and economic statecraft, pp. 431-454. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780197673546.013.27>
8. Cohen, B. (2015). Currency Power: Understanding Monetary Rivalry. Princeton, NJ: Princeton University Press

9. Chin, G.t.(2014).The Brics-led Development bank:purpose and politics beyond the G20.Global policy,5(3),366-373.<https://www.globalpolicyjournal.com/articles/development-inequality-and-poveerty/brics-led-development-bank-purpose-politics-beyond-g20>
10. Eichengreen,b.(2011).exorbitant privilege.<https://www.jstor.org>
11. Fulton,j.(2019).China,s changing role in the middle east.Atlantic council.rafik Hariri center for the middle east. ISBN-13: 978-1-61977-590-9
12. Fritz,b.&muhlich,l(2019).Regional financial Arrangements in the global financial safety net:The arab monetary fund and the Eurasian fund for stabilization and developmemt. Development&change,50(1),96-121.<https://doi.org/10.1111/dech.12466in>
13. Gilpin,R.(1981). War and change in world politics. Cambridge University press.
14. Gilpin,R.(1987). The political Economy of International Relations. Princeton university press.
15. Huotari,M,&Haneman,T.(2014).Emerging powers and the global financial order.global policy
16. Helleiner,E.(2014).The status quo crisis:Global financial Governance after the 2008 meltdown.<https://doi.org/110:1093/acprof:oso/9780199973637.00100001>
17. Ikenberry,G.j.&Nexon,D.H.(2019).Hegemony studies 3.0:The Dynamics of Hegemonic orders.<https://doi.org/10.1080/09636412.2019.1604981>.
18. Keohane,R.O.(1984).After Hegemony:Cooperation and Discord in the Word political Economy.princeton University press.
19. Krugman,p.(2022).The international role of the dollar:Theory and prospect. University of Chicago Press. <http://www.nber.org/books/bils84-1>
20. kindleberger,c.p.(1973).The World in Depression, 1929-1939. Berkeley: University of California press.
21. Murray,Robert(2020).Understanding china,s digital yuan.retrieved from.<https://www.fpri.org/>
22. Narayanan,A.Bonneau,J.felten,E.miller,A.&Goldfeder,s.(2020).Bitcoin and cryptocurrency Technologies:A comprehensive Introduction.Princeton university press

23. Ostrowski,m.(2022).The weaponisation of finance and the risk of global economic fragmentation.Istituto affair internazionali(IAI),policy brief No.22/19.retrieved from.<https://www.iai.it/sites/default/files/iaicom2219>.
24. Prasad, E(2021).The future of money:How the digital revolution is transforming currencies and finance.Harvard university press.ISBN:9780674258440:DOL:10.4159/9780674270091
25. Prasad,E(2017).Gaining Currency:The Rise of the Renminbi. Oxford university press.
26. parchami,A.(2023), The Dynamics of sino-Iranian Relations: Strategic veneer, Global policy,14(suppl.1),7-18.<https://doi.org/10.1111/1758-5899.1305>
27. Rolland,N.(2017).China,s Eurasian Century? Political and StrategicImplications of the Belt and Road Initiative.<http://www.nbr.org>.
28. Trenin,D.(2018). What is Russia up to in the middle east?polity press. <https://www.amazon.com/What-Russia-Up-Middle-East/dp/150952231X>
29. Subacchi,p.(2020).The cost of free money:How unfettered capital threatens our economic future. New haven& London:yale university press.doi.10.12987/9780300252606
30. Fulton,j.(2019).Chinas Changing role in the middle east. Washington,dc:atlantic council,rafik Hariri center for the middle east.
31. Batra,shubham.(2025).India central bank seeks lifting cap on vostro accounts investments to push rupee denominated trade,sources say.[reuters.com](https://www.reuters.com).may2.2025
32. IMF(2024).International Monetary Fund.Annul report: Advancing cooperation in a changing word. Washington,DC:IMF.elibrary.imf.org
33. IMF(2025).International Monetary Fund.External Sector Report 2025:Currencies in a Changing World.<https://www.imf.org/en/publications/ESR>
34. BIS(2023).Annual Economic Report 2023.Basel: Bank for International Settlements. <https://www.bis.org/publ/arpdf/ar2023e>
35. U.S.China Economic and security Review commission.washington,DC:U.S.Government Publishing office.Available at:<https://www.uscc.gov/annual-report/2024-annual-report-congress>
36. Reserve Bank of India.(2025). Annual Report 2024-25.Mumbai:Reserve Bank of India, Chapter X,box X5.rbi.org.in

37. Shoeb,mohammad.(2015) .The peninsula Qatar PM opens first yuan clearing hub in region.
<https://thepeninsulaqatar.com/article/15/04/2015/pm-opens-first-yuan-clearing-hub-in-region>
38. Reserve Bank of India(RBI).(2023). Reserve Bank of India and Central Bank of the UAE sign two MOUS to establish a framework to promote the use of local currencies for cross-border transactions.<https://rbi.org.in/scripts/bs-pressreleasedisplay.aspx?prid=56054>

The Role of China, Russia, and India in the Transition to a Multipolar financial Order in West Asia: An Analysis Based on Gilpin,s Theory of International Order Transformation

Narges aksa ¹
Rahman hariri ²

Document Type : Original Article
Vol 3, No 1(8) Spring 2025
Received Date: 15/06/2025
Accept Date: 28/09/2025
DOI: 10.22034/wasj.2026.586658.1142

Abstract

In the past few decades, the hegemony of the dollar has been recognized as a fundamental pillar of the international financial system. However, geopolitical shifts, widespread financial sanctions, and the rise of emerging economic powers have gradually eroded this dominance. Western Asia, due to its geostrategic location and central role in global energy supply, is one of the main arenas of these changes. This study, by employing the approach of international political economy and the theory of financial multipolarity, examines the transition from dollar dominance to the emergence of parallel payment systems in Western Asia. The question posed in this research is how eastern players challenge the dollar's dominance through the development of alternative financial tools. In response, it is hypothesized that the growth of alternative payment networks and regional financial institutions will lead to a decline in the dollar's dominance and strengthen financial multipolarity. This research employs a descriptive-analytical approach, and the findings indicate that parallel financial institutions, by enhancing the financial autonomy of the regional countries and reducing their vulnerability to dollar-based pressures, have paved the way for a transition toward financial multipolarity.

Keywords

Dollar hegemony ,financial multipolarity ,parallel financial institutions ,western Asia ,Eastern players

1 Ph.D student in Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran

2 Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Razi University, Kermanshah, Iran.